

جنگ روانی و آثار مرتبت بر آن در باور و اعتقادات قرآنی و فقه عامه

سید حسن چاوشی^۱

سید محمد مهدی احمدی^۲

چکیده

جنگ روانی با توجه به پیشرفت چشمگیر که در حوزه‌های مختلف زندگی بخصوص در عرصه فناوری اطلاعات و روابط اجتماعی بوجو آمده، در عصر حاضر به مهمترین ابزاری در جهت تأمین مصالح نظام‌های استکباری تبدیل شده است. جنگ روانی گرچه از نگاه پیشینه قدمت به تاریخ جنگ‌های بشر دارد، در عصر حاضر از جهت ابعاد، قلمرو حضور و نفوذ و نیز پیچیدگی، تفاوت بسیاری با گذشته پیدا کرده است.

در عصر حاضر با توجه به شرایط پیچیده در عرصه ارتباطات بشری، جنگ روانی از اهمیت بالایی برخوردار گردیده و از این رو در قالب‌های مختلف صورت می‌گیرد. و با توجه به اهمیت این موضوع در شرایط فعلی و از سوی استفاده دشمنان اسلام از این شیوه برای درهم شکستن پایداری و استحکام جامعه اسلامی، نوشته حاضر با توجه به این دغدغه در پی آن است تا با استفاده از برخی متون فقهی و روایی به مصادیق و احکام جنگ روانی از منظر فقه عامه بپردازد، و ابعاد آن از این منظر مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که جنگ روانی به عنوان تلاش نظام داری برای تقویت روحیه نیروهای اسلام و از سوی تضعیف و تخریب روحیه دشمن اسلام بخصوص در عرصه‌ی جنگ مورد توجه فقها و راویان مذاهب اهل سنت قرار گرفته و ریشه در باورهای دینی دارد.

واژگان کلیدی

باورهای دینی، جنگ روانی، روان، فقه، غدر، خدعه، تبیین فقهی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

Email: s.hassanch1354@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد واحد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dr.mh.ahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۸/۲۱

طرح مسأله

نگاه به تاریخ جامعه بشری، این حقیقت را به زیبایی نشان می‌دهد که همواره میان نیروهای حق و باطل درگیری بوده است. این جنگ براساس موقعیت‌های زمانی و مکانی و نیز شرایط فرهنگی و علمی تغییر شکل داده است. جنگ روانی از جمله مباحثی است که قرآن کریم نیز در آیات مختلف بدان اشاره کرده است. چنان که بخشی از آیات قرآن بیانگر آن است که دستگاه‌های ظالم و به ظاهر قدرتمندی چون نمرود و فرعون از این شیوه برای مقابله با پیامبران الهی مانند حضرت ابراهیم (ع) و موسی (ع) استفاده می‌کردند. در عصر حاضر که عصر جنگ رسانه‌ها نام گرفته است طراحان جنگ نرم با سرمایه‌گذاری بر افکار و اندیشه‌ها، آسان‌تر و با شتاب بیشتر به اهداف خود دست می‌یابند. گفتنی است که این روش مقابله با حریف، هزینه‌های جنگ سخت را ندارد و از سوی چهره‌خشن هر متجاوز و توسعه‌طلب، در قالب دوستی و حرکت خیرخواهانه، در پس پرده حجاب قرار می‌گیرد.

قرآن کریم جلوه‌های گوناگون جنگ نرم را از طریق داستان‌های انبیا و رخداد‌های عصر پیامبر اکرم بیان نموده است. از جمله این روش‌ها می‌توان به استهزاء و تحقیر مظاهر دینی در قالب شوخی، تفرقه افکنی به نام استقلال طلبی، پخش شایعات به نام روشنگری و تهمت زدن و تحقیر نمودن اشاره نمود. در شرایط فعلی عملیات روانی یکی از مؤثرترین جنبه‌های جنگ محسوب می‌شود. به همین دلیل امروزه کشورهای قدرتمند و توسعه‌طلب با تمام توان کوشیده‌اند خود را از نظرنیروهای‌های انسانی امکانات مادی و ابزار تبلیغاتی مجهز کنند تا بتوانند در میدان جنگ نرم افزاری که عرصه و قلمرو آن گسترده است و پیامد‌های آن تمامی افراد یک ملت را تحت الشعاع قرار می‌دهد، توسعه دهند. در طول تاریخ بشری قدرت‌های استعمارگر همواره بر سه اصل متکی بوده‌اند: تبلیغات، تسلیحات، اطلاعات. بی‌تردید در میان این سه اصل، از همه مهمتر تبلیغات بوده است. گفتنی است که همواره جنگ روانی، هنجارهای خود را از تبلیغات گرفته است. امروزه هدف‌نهایی تبلیغات شکل دادن به عقاید، نگرش و جهت‌گیری سیاسی و فرهنگی مردم در جهت خاص و مورد نظر بوده است. در این تحقیق سعی شده است با استفاده از منابع فقهی و روایی

و نیز تاریخی نگاه اهل سنت را در این باب مورد کنکاش قرار بدهیم

مفهوم شناسی

جنگ در لغت به معنای جدال و قتال، کارزار و نبرد، پیکار، و رزم آمده است (خدا پرستی، ۱۳۸۵ ش ۲۵۳). در اصطلاح بر خورد رود و فیزیکی بوده است: «آزمودن نیرو با استفاده از اسلحه، بین ملت ها (جنگ با نیروهای خارجی) یا گروه های رقیب در داخل کشور (جنگ داخلی) (آلن بیرون، ۱۳۸۰ ص ۴۴۹) مبارزه مسلحانه بین کشورها یا مردم یک کشور برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی (آقا بخشی، ۱۳۸۹ ش ص ۲۴۶) گاستون بوتول جامعه شناس معاصر فرانسوی در باب تعریف جنگ گفته است: مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه های سازمان یافته. (متفکر ۱۳۸۰، ۱۷) استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود (جان ام کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸) معانی متنوعی برای جنگ روانی قائل شده‌اند و دائماً هم تغییراتی در تعریف آن رخ می‌دهد که با استفاده از آن‌ها می‌توان، جنگ روانی را اینگونه تعریف کرد: استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات به وسیله عوامل آشکاری همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... و عوامل پنهانی مانند شایعه به منظور تحریف عقاید، تضعیف روحیه و بی اعتبار کردن انگیزه‌ها و کاستن از اقتدار حکومت مخالف می‌باشد (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۸) تمام جنگ‌ها متکی بر حيله اند.

فقه از آموزه های دینی در حوزه عمل و تکالیف بحث می کند و از نگاه لغت دارای معانی ذیل است: «العلم فی الدین (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق ص ۳۷۰): هو التوصل الی علم غایب بعلم شاهد، فهو اخص من العلم. (راغب، ۱۴۱۲ ق ص ۶۴۲ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۵). به معنای درک و فهم نیز آمده است: «العلم بالشیء والفهم له. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق ص ۵۲۲) در کتاب قاموس به معنای فهمیدن آمده است. (قرشی، ۱۳۷۱ ص ۱۹۷) فقه در اصطلاح فقهی، فهم تمام احکام دین، چه احکام متعلق به ایمان و عقاید و آنچه به آن‌ها مربوط بود و چه احکام حدود نماز و روزه، بکار می‌رود. روان در لغت عبارت است از روح انسانی (بطور اخص) که مقابل جان، روح مطلقاً آمده است (معین ۱۳۶۳ ش، ص ۷۵۷). جنگ روانی در اصطلاح همان جنگ کلمه و عقیده است، خواه به صورت مخفی باشد یا آشکار،

شفاهی باشد یا کتبی؛ اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد، میتوان به اعماق وجود او نفوذ کرد. (نصر، ۱۳۸۱ ش ص ۹۵-۹۶) تلاش و کوششی است نظام‌دار و برنامه‌ریزی شده برای تخریب یا تضعیف روحیه دشمن. (کریمی، ۱۳۷۲ ص ۱۸۳) کلاوزویتس در این باره گفته است: جنگ عمل خشونت آمیزی است به قصد اینکه دشمن را واداریم به اراده ما گردن نهد (جمالی و دیگران، ۱۳۸۶ ص ۱۳۹). صاحب نظران داخلی و خارجی در این باره گفته‌اند: جنگ روانی استفاده دقیق از تبلیغات و دیگر اعمالی است که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، انگیزه‌ها و رفتار دشمن، افرادی طرف یا دوست، به نحوی که عامل پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۵) از تعاریف بالا بدست می‌آید که جنگ اقدام مسلحانه، استفاده از اسلحه همراه با خشونت بوده است. اما وقتی جنگ روانی گفته می‌شود رفتاری است پنهانی و غیر آشکار که از اسلحه و درگیری رودررو استفاده نمی‌شود و حریف را بدون خسارات ظاهری و محسوس وادار به تسلیم می‌کند.

برخی از واژگان هم معنا با جنگ روانی

واژگانی چون: کید، غدر، مکر، خدعه معانی متفاوتی دارند که در بحث جنگ روانی مورد استفاده قرار می‌گیرند کید سعی در ضرر رساندن به دیگری به صورت حیل‌کردن معنا شده است (طریحی، ۱۳۷۵ ش ص ۱۳۹) غدر به هر نوع عملیات ناجوانمردانه گفته می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹ ذیل واژه غدر) مکر در لغت به معنای تدبیر برای ضرر رساندن (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش ص ۱۴۳) و یا حیل‌گری در نهان آمده است (ابن منظور ۱۴۱۴ ق ص ۱۸۳) ابن سیدان گفته است: حول و حیل و احتیال و نیز تحیل به معنای مهارت و چیره دستی گرفته شده که شخص در زمان که دچار تنگنا گردید به حیل رومی‌آوردت مهارت خود را نشان دهد (ابن منظور، ج ۵ ۱۴۱۴ ق ص ۷۵۹) الحیلۃ اسم من الاحتیال و هی التي تحوّل المرء عما یرکبه إلی ما یرجبه. (جرجانی، ۱۳۷۷ ش ص ۹۴). حیل چیزی است که شخص تغییر موضوع می‌دهد از آنچه که اکراه دارد به آن سمت که دوست دارد. در واقع حیل تغییر موضع دادن به خاطر مصلحت و تجدید قوا و استفاده خوب از

شرایط به نفع خود و جامعه است. حیلۀ در حقیقت از تحول گرفته شده که شخص از حالی به حال دیگر با زیرکی تغیر موضع و ظاهر می دهد (جوهری، ۱۴۰۴ ق ص ۱۶۸۱-۱۶۸۲) دقت و قدرت بردقت تصرف در امور منصرف کردن غیر، از تصمیم خودش به وسیله نیرنگ (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق ص ۷۷۲) معادل مکر در فارسی به معنای فریب و نیرنگ است. (دهخدا، ۱۳۷۳ ص ۱۸۸۹۱) مکر در قرآن درباره خداوند مطرح شده است (آل عمران ۵۴/ انفال ۳۰/ اعراف ۹۹) و از این رو برخی مکر را در قرآن به معنای تدبیر و تقدیر دانسته اند (قرشی، ۱۳۷۱ ص ۲۶۵)

خدعه از نگاه معنا با جنگ روانی مرتبط است و معنای شبیه مکر دارد (لسان العرب ... ص ۶۳) و این واژه پنج بار در قرآن بکار رفته است (بقره ۹/ نساء ۱۴۲/ انفال ۶۲) خدعه در لغت به معنای «مایخدع به» است. یعنی آنچه به وسیله آن خدعه ورزیده می شود که عبارت از «مکرو حیلۀ و فریب» باشد. (قاموس المنجد، ماده خدع) به معنای مخفی کردن موارد که شأن آن ظاهر کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق ص ۳۷۰) در زبان قرآن، واژه هایی که به نوعی می توانند مفهوم شایعه (اخباری که صحت و سقم آن به تایید نرسیده است) را افاده کند، به چشم می خورد. «خرص» «تقول» و «اختلاق» از این نمونه ها هستند. «خرص» گفتاری است بر اساس ظن و تخمین ساخته و پرداخته شود، خواه با واقعیت مطابق باشد یا خیر. (راغب اصفهانی، ۱۳۲۴)

تبیین جنگ روانی

بحث پیش رو به تبیین جنگ روانی پرداخته نه تنها از جهت ماموریتی که برای خود تعریف کرده بلکه از جهت نگاهی که در حوزه فقه اهل سنت و آئینه تاریخ مورد نظر و تأیید عامه وجود داشته. ایشان آن ها را دارای مصالح و مفاسد واقعی می داند. بدیهی است که تا حقیقت پدیده ای شناخته شده نباشد به سادگی نمی توان برای آن حکمی صادر و یا استنباط کرد که به خاطر جلب منفعت عامه و دفع مفسده جامعه باشد.

گفتنی است که جنگ روانی و موضوعات مرتبط با آن عملیاتی هستند تا تئوری و نظریه و از این رو بین نظر و عمل آن ها تفاوت وجود دارد و در هر شرایط با تغیرات کمی و کیفی خود نمایی می کنند.

با توجه به تأثیر فناوری در ابعاد گوناگون جنگ، درگیری و نیز عملیات روانی، اخلاقیات و سطح روابط اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. برای نمونه، در شبیه‌سازی‌هایی که از جنگ و درگیری به منزله بازی جنگ مطرح است، کشتن و ویران کردن مایه مباحات تلقی می‌شود و تمرین و ممارست در آن، نیروهای خودقیدی اخلاقی را کاهش می‌دهد (والتر رایش؛ ۱۳۸۱، صفحه ۲۶۹). رشد فرهنگ شرارت و خشونت در متن جامعه‌ای است که به نیایش مجاز پرداخته و از حقیقت غافل مانده است. جنگ روانی اذهان مردم، مفاهیم مختلف و متغیر را تعدا می‌کند و حتی کسانی که در این موضوع تخصص دارند، نتوانسته اند این اصطلاح را در حوزه ای واضح و روشن قرار دهند (نصر، ۱۹۶۷، ص ۸۱) عامل شناخت مخاطب و زمان به منزله عوامل بنیادینی که رمز موفقیت عملیات روانی محسوب می‌شوند و از این رو، جایگاه درخور توجهی یافته است. این عامل بازپردازی مفاهیم در حوزه گفتمان درگیری است که چنان گسترش یافته و عملیات روانی را در عصر حاضر شکل تازه‌ای بخشیده است که بدون در نظر گرفتن آن، هرگونه عملیات روانی‌ای به شکست می‌انجامد. ریشه‌های حضور این عامل را می‌توان در تمامی مقاطع زمانی و در انواع روابط بین‌المللی (اعماز اقماری، رقابتی، منازعه و درگیری) در قالب فیلم، کتاب، گزارش، اخبار، اسناد و اوراق مربوط به عملیات روانی، به وفور یافت. در واقع انسان‌ها برداشت خود را از واقعیت بر اساس اطلاعاتی شکل می‌دهند که از راه حواس به دست آورده‌اند، اما این درون‌داد حسی، تحت تأثیر فرآیندهای ذهنی پیچیده‌ای که تعیین می‌کنند کدام اطلاعات مورد توجه قرار گیرند، چگونه سازماندهی شوند و چه معنایی به آنها نسبت داده شود، با تغییر و تحول روبه‌رو می‌شود. (ریچاردز، ۱۳۸۰، ص ۵۶) این فرآیند را می‌توان مانند مشاهده و درک جهان از پشت یک عدسی یا وسیله حایل دیگری مجسم کرد که با هدایت و تمرکز تصویرها، آنها را غیرطبیعی جلوه می‌دهد. (ریچاردز هیوثر، ۱۳۸۰، ص ۵۷)

فرق جنگ روانی با عملیات روانی

جنگ روانی عبارت است از تبلیغات طرح ریزی شده و سایر اقدامات روانی که به منظور نفوذ به عقاید، احساسات و حالات و رفتار گروه‌های مورد نظر از آن استفاده می‌شود و اصولاً جنگ‌های روانی هدف‌های ملی را در زمان جنگ پشتیبانی می‌نماید اما

عملیات روانی عبارت است از جنگ های روانی و دیگر فعالیت های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی وایدئولوژیکی که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و گروه های مورد هدف (دوست، بی طرف و دشمن) به منظور نیل به هدف های ملی طرح ریزی و اجراء می گردد» (نبرد مخصوص، ۱۳۶۵ ص ۳۲) عملیات روانی عبارت است: «از فرایندی ارتباطی که در آن دو طرف شرکت می نمایند و یکی از آن ها ویا هر دو می کوشند تا با تأثیر گذاشتن بر افکار، عواطف، تمایلات طرف دیگر، او را به انجام رفتاری مطابق خواست خود وادارد.» (افتخاری، ۱۳۹۳: ۶۸۳) از تعریف آخری بدست می آید که عملیات روانی وسیع تر واعم از جنگ روانی می باشد.

جنگ روانی را اخص از عملیات روانی می دانند؛ چون عملیات روانی عبارتست از جنگ های روانی و دیگر فعالیت های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی؛ که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه های مورد هدف به منظور نیل به هدف های ملی طرح ریزی و اجراء می شود.

اما جنگ روانی، اقدامات روانی به منظور نفوذ عقاید، احساسات و رفتار گروه های مورد نظر می باشد و اصولاً هدف های ملی را در زمان جنگ، پشتیبانی می نماید (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

شیوه های جنگ روانی

القای یأس

ناامیدی که از دو واژه قرآنی (یأس) (قنوط) به معنای نومیدی از رحمت خدا و قطع امید نسبت به آینده روشن است. ناامیدی عامل از خود بیگانگی و بحران هویت آدمی است. جامعه ای که همه توان خود را برای رسیدن به هدفی گرد آورده است. اگر با نسیاه نمایی و القای ناامیدی روبرو شود، باور به ناتوانی در انجام کار در میان آحاد آن جامعه پدید می آید. (طائب، ۱۳۸۹ ص ۴۱)

هنجار شکنی

هنجار قاعده ای است که به هدایت الگوی رفتار اجتماعی می پردازد. هنجار ها در بر گیرنده قوانین، اصول و ارزشهای اخلاقی، عادات و رسوم و قواعد رفتار مودبانه است که

در جامعه، نظم اجتماعی را بر عهده دارد. هنجارها از نظام ارزشها جدا ناشدنی است. (محسنی، ۱۳۸۶: ص ۲۳۵: ۲۳۸)

فتنه‌گری

فتنه به معنای قرار دادن و گداختن طلا در آتش است تا خالص از ناخالص و خوب از بدش آشکار شود. (راغب اصفهانی، ذیل ماده فتن) (واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن مجید به معنای اضلال و گمراهی) (انفال: ۳۹) (فریب دادن آمده است (مائده: ۴۱)).

جوسازی

در این شیوه مهاجم سعی می‌کند به شخصیت نسالم و معتدل طرف مقابل یا پاک‌ی، تقوا، پاکدامنی و جایگاه مورد احترام او خدشه وارد کند. بنا براین از میان صد هاصفت نیک، انگشت روی نقاط مبهم یا نکاتی از شخصیت فردمی گذارد که درک آن برای عموم دشوار است (طائب ۱۳۸۹: ص ۴۲)

جنگ روانی در نگاه فقه اهل سنت

دو نوع جنگ

الف. جنگ سخت

نوعی اعمال قدرت سخت است و قدرت سخت عبارت است از فشارهای نظامی و اقتصادی ملموس برای وادار کردن دیگران به تغییر موضع (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۷) در تعریف جنگ روانی، آمده است: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (کالینز، ۱۳۷۰: ص ۴۷۸)

ب. جنگ نرم

جنگ نرم شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (کالینز، ۱۳۷۰: ص ۵۹) جنگ نرم، اصطلاحی که در سال‌های اخیر مطرح گردیده و برای اولین بار توسط جوزف نای نظریه پرداز آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۸۰م مطرح شد (جوزف نای، ۱۳۸۸، شماره ۲۱، ص ۱۲۸)

تفاوت جنگ نرم با جنگ سخت

جنگ سخت محدود به جغرافیای خاص، پرسر و صدا و همراه با غرش لاح‌های رزمی، شیوه‌ها و ابزارهای آن محدود و پرهزینه، تلفاتش یکباره، محسوس و احساس بر انگیز و نیز محدود و کوتاه مدت است.

جنگ نرم، فرامنطقه‌ای، دارای راهبرد فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، بی‌صدا و خاموش، شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون، گسترده، ظریف و کم‌هزینه، بر روح، روان، اخلاق، و دین آثار تخریبی دارد و تلفاتش ضایع‌شدنی و نفرت‌انگیز است (آخوندی، ۱۳۹۲ص ۱۹). فرهنگ سیاسی، جنگ سرد را چنین تعریف می‌کند «حالت تضاد سیاسی و اقتصادی یا ایدئولوژیک دو دولت که با جنگ شدید تبلیغاتی توأم است (آشوری، ۱۳۵۴ص ۷۵) در جنگ سرد دولت‌ها از به‌کار بردن نیروهای نظامی و دست‌زدن به نبرد مسلحانه علیه یکدیگر خودداری می‌کنند. شباهت جنگ سرد با جنگ نظامی از این جهت است که بعضی از دولت‌ها در قبال آن اعلام بی‌طرفی می‌کنند. بنابراین، جنگ سرد مجموعه‌ای از عملیات است که در ارتباط با متحدین، بی‌طرف‌ها و افراد داخل کشور صورت می‌پذیرد؛ در حالی که جنگ روانی شامل تبلیغاتی می‌شود که هدف آن دشمن است افزون بر این، در جنگ روانی از قوای ارتش نیز استفاده می‌شود تا بیشترین تاثیر را بر اراده دشمن بگذارد و کمترین خسارت را تحمل نماید. گروهی تفاوت جنگ روانی و جنگ سرد را در زمان انجام آن می‌دانند؛ به عقیده آن‌ها در هر زمان که تبلیغات به منظور پیشبرد در زمان صلح ولی برای پیشبرد هدف‌های سیاسی متکی به قدرت نظامی مطرح شود، عنوان جنگ سرد به خود می‌گیرد. (صفوی، ۱۳۷۰ص ۴۰)

عقلانیت استفاده از قدرت نرم

با توجه به مصلحت اسلام و جامعه هر صاحب‌خرد استفاده از قدرت نرم را لازم می‌داند. در نگاه هر صاحب‌خرد استفاده از ابزار نیرو و قدرت که منافی با اصل شریعت نباشد و ارزش‌های جامعه را تهدید نکند حکم بر جواز آن شده است. از آن جمله می‌توان به قدرت نرم اشاره نمود.

قدرت نرم مفهوم جدیدی است که در دهه اخیر به وجود آمده است. در این نوع قدرت، مخاطب نه از روی اکراه؛ بلکه با رضایتمندی، به خواسته قدرتمند، تن می‌دهد. در قدرت نرم، بر ذهن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و با تغییر در «ذهنیت‌ها» نوعی «عینیت مجازی» تولید می‌شود؛ نوعی اثر روانی با تبلیغات متنوع رسانه‌ای که موجب حصول رعب ذهنی از امکانات دشمن یا ساختن تصویر اغراق‌آمیز از اومی شود. (برزونی، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۹۴) به نظر می‌رسد که بین قدرت نرم و جنگ نرم، عموم و خصوص مطلق جاری است؛ به گونه‌ای که هر قدرت نرمی لزوماً به جنگ نرم و یا سخت منتهی نمی‌شود و چه بسا در حالت بازدارندگی خود باقی بماند. آیه «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰) بیانگر این نوع از مقابله است؛ ولی جنگ نرم هر چند به مقابله نظامی اطلاق نمی‌شود؛ ولی از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، استفاده می‌کند.

جنگ نرم در سیره پیامبر(ص)

رسول خدا(ص) در برخی از موارد برای تقویت روحیه سپاه اسلام و تضعیف روحیه دشمنان اسلام اقدامات داشتند که می‌توان آن را از نمونه‌های بارز جنگ روانی علیه دشمنان دانست.

ایجاد وحشت در دل دشمن

یکی از تاکتیک‌های مهم نظامی، ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن است و این موضوع در شکست دادن دشمن سهم به‌سزایی دارد. پیامبر اعظم - در رویارویی با دشمن از این امر مهم استفاده می‌کرد. چنانکه فتح مکه نتیجه‌ی ایجاد وحشت در دل دشمنان است. پیامبر برای فتح مکه و گشودن محکم‌ترین دژهای بت پرستی و برانداختن حکومت ظالمانه قریش (که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود) بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر سپاهیان اسلام به منطقه «مرالظهران» (چند کیلومتری مکه) رسیدند و برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند و هر کسی بطور مستقل آتش افروخته تا نواری از شعله‌های آتش، کلیه کوهها و نقاط مرتفع را فراگیرد. مردم مکه یکباره متوجه شدند که در محاصره کامل

قرار گرفته اند و آتش همچون دایره ای، شهر مکه را احاطه نموده است در این لحظه سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمده و به جستجو پرداختند. در آن وقت عباس عموی پیامبر از مکه بسوی مدینه هجرت کرده بود به آن منطقه رسید و سران قریش را مطلع ساخت که این آتش و شعله ها مربوط به سربازان محمد است و محمد با قدرتی بزرگ آمده که قریش تاب مقاومت آن را ندارند. ابوسفیان ترسید و چاره پرسید، عباس گفت بیاتورا به ملاقات پیامبر می برم تا از او پناه بجویی و گرنه جان قریش در خطر است. ابوسفیان خدمت پیامبر رسید و پس از گفتگو اعتراف به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر نمود. با این حال پیامبر اعظم دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد بلکه به عباس دستور داد او را در تنگنای دره ای نگاه دارد تا او احوادهای ارتش نو بنیاد اسلام، با تجهیزات و ساز و برگ خود در برابر اورژه روند و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد و پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت اسلام بترساند و آنها را از فکر مقاومت باز دارد (واقعی، ۱۴۰۹ ق ص ۸۱۸).

خنده در جنگ از منظر اهل سنت

اندیشمندان اهل سنت از آنجا که از تجربیات عملی طولانی در بحث جهاد داشته اند این رویکرد در حوزه امامت و خلافت و پیرو آن در مسایل مربوط به جهاد ابتدائی داشته اند و دارند دیدگاه های مرتبط تری با مباحث روانی جنگ روانی و موضوعات مرتبط با آن داشته و این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند. ابن خلدون در این باره گفته است: موجبات چیرگی و پیروزی یا از امور ظاهری تشکیل می شود مانند سپاهیان بسیار و سلاح های کامل و استوار و فزونی دلاوران و مرتب کردن صفوف و نبرد گاه و از آن جمله شدت و صلابت در جنگ و آنچه جانشین آن صفت شود. و یا عبارت از امور پنهانی است که آن نیز بر دو گونه است:

اول) حيله ها و فریب کاری های بشر از قبیل گول زدن دشمن از راه نشر شایعات و اخبار وحشت آور و تحریک آمیزی که سبب می شود دشمن، روحیه خود را ببازد و شکست بخورد مانند اینکه بر دشمن پیشی جویند و به ارتفاعات و جاهای بلند بر آیند تا جنگ از اماکن مرتفع آغاز گردد و دشمن که در سرزمینی پست واقع است دچار بیم و

هراس شود و با شکست رو به رو شود با آنکه در بیشه‌ها و سرزمین‌های نشیب و پشت سنگ‌های بزرگ پنهان شوند و در گرداگرد دشمن بدین سان کمین کنند تا همین که سپاهیان او در دسترس آنان واقع شوند یکباره برایشان بتازند و آنها را به دام افکنند چنان که دشمن متوجه نجات خود گردد و دیگر حيله‌ها و فریبکاری‌های مشابه آنها.

دوم) آنکه امور نهایی، آسمانی باشد و بشر نتواند آن‌ها را به دست آورد از قبیل آنکه بر دل آنها اندیشه‌هایی القاء شود که مایه‌ی بیم و هراس آنان گردد و بدین سبب به اجتماع و همدستی ایشان اختلال راه یابد و گرفتار هزیمت شوند. و بیشتر شکست‌هایی که روی می‌دهد به علت اینگونه موجبات نهایی است. از این رو که هر یک از دو گروه جنگ آور از شدت آزمندی فراوانی که به پیروزی و غلبه دارند پیوسته به اینگونه وسایل نهایی دست می‌بازند و ناچار در یکی از دو طرف تاثیر می‌بخشد و به همین سبب پیامبر (ص) می‌فرماید جنگ، فریبکاری است، و در امثال عرب آمده است «چه بسا حيله که از یک قبیله سودمندتر است.

پس آشکار شد که روی دادن غلبه و پیروزی در جنگ‌ها، اغلب معلول موجبات نهایی ناپیداست و روی دادن رعب و وحشت در دل‌ها یکی از دلایل شکست‌های دشمنان اسلام و کلیه فتوحات اسلامی است. منتها این موجب ازدیده‌ها نهان است.» (ابن خلدون، ۱۳۴۳، ص ۳۳-۵۳۲).

دو نگاه در مورد خدعه در جنگ

۱. عدم جواز خدعه در جنگ

اهل سنت در برخی موارد نیرنگ را از افعال مذموم دانسته و در این رابطه گفته اند: «أكثر ما تستعمل هذه الألفاظ (المكر والخديعة والكيد) في الفعل المذموم وهو الأشهر عند الناس وذلك بأن يقصد فاعله إنزال مكروه بمن لا يستحقه ومنه قول النبي صلى الله عليه وسلم " الخديعة في النار " (بخاری، ۱۴۲۰هـ ص ۷۵). أي تؤدي بفاعلها إلى النار. اغلب مورد استعمال این واژه‌ها یعنی مکر، خدعه و کید، در فعل مذموم بوده است این در نزد اکثر مردم مشهور است زیرا کاری انجام می‌شود که طرف مستحق آن نیست. و از این رو پیامبر اکرم (ص) فرموده است که خدعه در آتش است.

۲. جواز خدعه

در برخی شرایط با توجه به مصالح، خدعه را برای مصالح جایز می دانند و در این باره گفته اند: «وقد تستعمل تلك الألفاظ في الفعل المحمود وذلك بأن يقصد فاعله إلى استدراج غيره لما فيه مصلحته كما يفعل بالصبي أو المريض إذا امتنع من فعل ما فيه مصلحته كشرب الدواء ومنه قول النبي صلى الله عليه وسلم: "الحرب خدعة" (بخاري ج ۴، ۱۴۲۰هـ ص ۶۶، نشابوری، ۱۴۱۲ق ص ۱۴۳). گاهی این واژه در افعال پسندیده استعمال می گردد و هدف انجام دهنده آن روی مصالح بوده است مانند رفتار با کودک و مریض زمانی که از خوردن دواء که به مصلحت وی است امتناع می ورزد. رسول خدا فرموده است خود جنگ خدعه است. وقد أجمل الشاطبي في كتابه الفريد في بابه ما ذكرناه فقال: "لا يمكن إقامة دليل في الشريعة على إبطال كل حيلة كما أنه لا يقوم دليل على تصحيح كل حيلة، وإنما يبطل منها ما كان مضاداً لقصد الشارع خاصة وهو الذي يتفق عليه جميع أهل الإسلام، ويقع الاختلاف في المسائل التي تتعارض فيها الأدلة (الشاطبي الغرناطي، ۲۰۰۸م ص ۳۳۷). شاطبی در کتاب فرید خود در توضیح این مطلب گفته است ممکن نیست در شریعت دلیلی در مورد ابطال حيله اقامه گردد چنانچه که نیز دلیلی نمی توان اقامه کرد که همه حيله ها صحیح بوده است مگر حيله های که با مقاصد شریعت در تضاد باشد که در این باب همه مسلمانان اتفاق نظر دارند.

ادله جنگ روانی در فقه اهل سنت

حيله در زمان جنگ

الف. قرآن

قال تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا رَحِفُوا فَلَا تُؤَلُّوهُمُ الْأَذْبَارَ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يُوَمِّدْ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ تُحْيِرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَفَدَّ بَاءً بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (الأنفال. ۱۵-۱۶). ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبرو شوید به آن ها پشت نکنید (فرار نکنید) و هر کس در آن هنگام به آن ها پشت کند مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی از مجاهدان بوده باشد (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او

جهنم است.

ابن ادرس در تفسیر این آیه می گوید: «قلت: في الآية الكريمة دليل على تحريم الفرار من الزحف على غير المتحرف أو المتحيز، وأنه من كبائر الذنوب كما جاء في الحديث، قال العلماء: هذا إذا لم يكن العدو أكثر من الضعف، لقوله تعالى: {الآن حَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ} ۲، أما إذا كانوا أكثر فالثبات مستحب والفرار جائز فليست الآية باقية على عمومها، قال الشافعي رحمه الله: " إذا غزا المسلمون فلقوا ضعفهم من العدو حرم عليهم أن يولوا إلا متحرفين لقتال أو متحيزين إلى فئة، وإن كان المشركون أكثر من ضعفهم لم أحب لهم أن يولوا ولا يستوجبون السخط عندي من الله لو ولوا عنهم على غير التحرف للقتال أو التحيز إلى فئة (ابن ادریس شافعی، ۱۴۲۲ق ص ۹۲). ابن ادریس آیه را اینگونه تفسیر می کند در این آیه فرار از میدان جنگ از روی ناتوانی و ضعف توانایی نظامی و جنگی حرام است و این از گناهان بزرگ بوده است و براساس حدیث این حرمت در صورت است که نیروهای اسلام در حالت قدرت دفاعی باشد توان جنگ را داشته باشد در این صورت فرار از میدان جنگ جایز نیست و اگر در حالت ضعف نیروهای اسلام و زیادی و قدرت نیروهای دشمن باشد در این صورت فرار و تغییر موضع برای آمادگی جنگی جایز است پس آیه بر عمومیت خود باقی نمی ماند و قال تعالی: {مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ لِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ} (نحل ۱۰۶/۱۰۷) کسانی که بعد از ایمان کافر شوند - بجز آنها که تحت فشار واقع شده اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنها است. عذاب عظیم در انتظارشان است.

لزوم استفاده از حيله برای نجات و تقويت نفس

اهل سنت حيله در جنگ را برای تقويت روحیه سپاه اسلام لازم دانسته و گفته اند: « دلالة واضحة على التحيل لدفع الأذى عن النفس ولو أدى ذلك إلى التلطف بالكفر، فقد عذب عمار بن ياسر أشد تعذيب حتى أن المشركين ليضعون على صدره الحجر الكبير الذي يلتظي من شدة الحرارة في الرمضاء المحرقة فيجتمع عليه ثقل الحجر وحرارته من أعلى، وشدة

حرارة البطحاء من تحته، كل ذلك منزوع الثياب، وبالغوا في تعذيبه ذات يوم حتى يذكر محمد بشر وآلهتهم بخير، فنطق بما أرادوا مكرها وقلبه مطمئن بالإيمان، ولما أطلقوه ذهب إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم مسرعاً، وشكا وشرح ما وقع فيه وما وقع له، فقال له المصطفى صلى الله عليه وسلم: كيف تجد قلبك، قال: مطمئناً بالإيمان، فقال: "إن عادوا فعد"، وفي ذلك نزلت هاتان الآيتان. (ابن جوزي، ۱۴۲۳ق ص ۴۹۵) پس اظهار کفر به صورت ظاهر بدون اینکه در قلب تردید داشته باشد، حيله ی است که موجب دفع ضرر صورت می گیرد. چنانچه در تاریخ ثبت شده است که عماروقتی تحت شکنجه شدید قرار گرفت و برای فریب دشمن کلیمات بر زبان آورد که در باطن به آن باور نداشت.

وجوب حيله در جنگ در روایات اهل سنت

بخاری در کتاب صحیح خود به کذب به عنوان راه حيله در جنگ اشاره و آن را در شرایط بحرانی و جنگی جایز می داند و در این راستا داستان کعب اشرف را نقل می کند که در نقل قولی از پیامبر اکرم، مأمور قتل کعب، مجاز می شود که برای انجام ماموریتش هر آنچه خواست بگوید (بخاری، ۱۴۲۰ق ص ۹۰۳) در این کتاب در باب ۱۵۹ به حيله و غافلگیر کردن دشمن در میدان جنگ به خاطر پیشگیری از آسیب و آزار دشمن اشاره و آن را جایز شمرده است. (بخاری، ۱۴۲۰ق ص ۱۲۱۱) ابن ماجه از دیگر علمای اهل سنت است که در این باب اظهار نظر کرده و احادیث را در موضوع جنگ روانی در کتاب سنن خود آورده است و در این کتاب دو باب از همه روشن تر به این موضوع اشاره دارند یکی باب الخديعة في الحرب (نیرنگ در جنگ) و دیگری باب التحريق بأرض عدو (ابن ماجه، بی تا ص ۹۴۸/۹۴۵) آتش زدن زمین های دشمن در جنگ این نگاه بیانگر دید روشن اهل سنت در مورد ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن و جنگ روانی بوده است.

ب. سنت

جنگ روانی در سیره عملی رسول خدا (ص) مشاهده است که به عنوان الگو و اسوه عملی برای همه مسلمانان در همه اعصار و شرایط مطرح می گردد. پیامبر اسلام (ص) پس از سه سال دعوت مخفی، دعوت خود را علنی کرد مخالفت های مشرکان مکه نیز به شکلهای مختلف شروع شد. و تطمیع، استفاده از زور و شکنجه و جنگ روانی از آن جمله

بود. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) در ایام حج و غیر آن مردم را به آیین خود دعوت می کرد ولی از آن سوی، ابولهب پشت سر پیامبر - ص - با همان افراد تماس برقرار می کرد و اثر تبلیغ پیامبر (ص) را با این بیان که وی پسر برادر من و دیوانه است، خنثی می کرد. شکنجه بلال حبشی، یاسر، سمیه، عمار و... نمونه هایی از جنگ روانی دشمن علیه اسلام بود. پس از هجرت پیامبر اسلام (ص) به مدینه و نزول آیات جهاد، نبرد سربازان اسلام به فرماندهی پیامبر اسلام (ص) بر علیه کفار و مشرکین وارد مرحله جدیدی می شود. در کمتر جنگ و نبردی است که در آن طرفین جنگ، از جنگ روانی استفاده نکرده باشند. ابزارهای جنگ روانی متناسب با امکانات و وسائل متعارف آن روز بوده است. و بدیهی است که اهداف متعددی را تعقیب می کرده که در نهایت تسلیم طرف مقابل، مدنظر بوده است.

بررسی روایات گویای آن است که معصومین (ع) در جنگ ها از عملیات روانی بهره می بردند. پیامبر اکرم (ص) در محاصره طائف در کناره استفاده از نیروهای رزمی مجهز به سلاح های آن روز، از شیوه های جنگ روانی نیز بهره می برد. از جمله بریدن و سوزاندن تعداد درخت های نخل و انگور که مورد علاقه مردم طائف بود و نیز وعده آزادی هر کس از بردگان در طائف که به مسلمانان پناهنده شود (ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۱۵۲). برخی یاران پیامبر (ص) در جنگ ها لباس های ویژه ای بر تن می کردند که در تضعیف روحیه دشمن اثر گذار می افتاد. پوشیدن پوست برخی از حیوانات و بستن دستار بر سر و گذاشتن کلاه خود که پرهای طاووس بر آن نصب می شد نمونه های از این روش ها بود.

ابو دجانة انصاری دستار سرخ بر سر داشت و مسلمانان می دانستند که هر گاه او دستار ببندد، شجاعانه خواهد جنگید. زیر دستار زرد و حمزه با پرشتر مرغی که به سینه می زد، شناخته می شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱ ش. ص ۱۲۷)

پیامبر اکرم (ص) با نقشی همه جانبه، که در جنگ ها به کار گرفته بود، در گوناگونی بزرگی در آیین نبردهای جدید به وجود آورد. وی جنگ را به تمام جبهه ها کشاند و از هر سلاحی که می توانست بهره گرفت، هم چنان که نبرد همه جانبه در تمام جبهه ها جریان داشت، «جنگ روانی» نیز با شدت مورد استفاده قرار می گرفت. جنگ های مسلحانه نتیجه عوامل

نظامی، اقتصادی و روانی است و به همین دلیل به «نبرد همه جانبه» تعبیر می‌شود. (طلاس، بی‌تا، ص ۵۱۵ و ۵۱۶)

مصادیق جنگ روانی در سیره پیامبر اکرم

بهترین مصداق برای اثبات اینکه پیامبر اکرم از شیوه جنگ روانی در مقابله با دشمن استفاده کرد تقابلی است که پیامبر گرامی اسلام با ابوسفیان در جنگ احد با استفاده از این ابزار داشتند: «ابوسفیان برای تضعیف روحیه مسلمانان دست به تهاجم تبلیغاتی و جنگ روانی زد و شعار سر داد: اعلُ هبل اعلُ هبل سر فراز باشی ای هبل! پیامبر فرمود: در پاسخ او شعار دهند الله اعلی و اجل، خدا بر تر و بالا تر است. ابوسفیان گفت لنا العزى ولاعزى لكم ما بت عزى داريم شما بت عزى نداريد. به فرمان پیامبر یکی از مسلمانان در پاسخ او گفت: الله مولانا و لامولى کم خدا مولى ما است و شما مولى نداريد. (ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۴۳۳ بلا ذری ج ۱ ۳۹۸ق ص ۳۲۷ الطبری، ۱۹۶۷/۱۳۷۸ ج ۳ ص ۲۴. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ش ص ۳۱/۳۰)

قتل دشمن به خاطر تضعیف روحیه دشمنان

اهل سنت به نکته تاریخی اشاره و گفته اند: «ومن أمثلته أيضاً ما حصل من محمد بن مسلمة من تلافه لعدو الله كعب بن الأشرف اليهودي وقتله على غرة وكفى الله المؤمنين شره (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۱۵م ص ۹۸). از نمونه بارز جنگ روانی در سیره جنگی رسول خدا (ص) کشته شدن کعب ابن اشرف یهودی بوسیله محمد بن مسلمه تا مسلمانان از شر او در امان بمانند» و من ذلك أيضاً قتل أبي رافع سلام بن أبي الحقيق اليهودي قتله عبد الله بن عتيك رضي الله عنه بأمر من النبي صلى الله عليه وسلم (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۱۵م ص ۲۴۲) از نمونه های بارز دیگر جنگ روانی در سیره جنگی رسول خدا (ص) کشته شدن ابی رافع ابن ابی الحقیق یهودی به امر مبارک رسول خدا (ص) توسط عبد الله ابن عتیک. گفتنی است که این روش پیامبر اسلام در آن شرایط اتخاذ گردید که روحیه دشمن توسط برخی از افراد با نفوذ و صاحب سخن تقویت و احساسات ایشان برانگیخته می شد.

مقابله پیامبر با جنگ روانی دشمن

در تاریخ اسلام نیز آن جا که ابهام و اهمیت رخدادی قطعی بود، شایعات رواج و قوت می گرفت. چون جنگ بدر با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت، پیامبر اکرم (ص)، زید بن حارثه

و عبدالله بن رواحه را از ائیل به مدینه فرستاد تا این خبر را به مردم برسانند. آن‌ها روز یکشنبه و درنیمروز به مدینه رسیدند و در دره عمیق از هم جدا شدند. عبدالله در محله بالای مدینه و زید در محله پایین به خانه انصار سر می‌زدند و می‌گفتند: ای گروه انصار شما را مژده باد به سلامت رسول خدا و کشته و اسیر شدن مشرکان! عتبه و شیبه و پسران ربیع و دوپسر حجاج، ابوجهل، ابوالبختری، زمعه بن اسود و امیه بن خلف کشته شدند و سهیل بن عمرو و گروه زیادی به اسارت درآمدند! بچه‌ها از پی عبدالله بن رواحه حرکت می‌کردند و فریاد می‌کشیدند: ابوجهل بدکار کشته شد.

اسامه پسر زید می‌گوید: «نزد پدر آمده پرسیدم: این که می‌گویی راست است؟ زید گفت: آری، به خدا راست است، پسر کم! از این رو، اسامه نزد آن منافق برگشت و گفت: تو از کسانی هستی که نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان شایعه پراکنی می‌کنند. چون رسول خدا بیاید، گردنت را خواهد زد. منافق گفت: این چیزی بود که من از مردم شنیده بودم. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۴-۱۱۵)

در ماجرای مذاکرات صلح حدیبیه، پیامبر (ص) نیز متقابلاً نمایندگانی به سوی قریش فرستاد تا هدف آن حضرت را که زیارت خانه خدا بود، بی‌پرده به سران شرک ابلاغ کنند. نخست خراش بن امیه خزاعی مامور ابلاغ پیام گردید، اما آنان شتر او را پی کردند و نزدیک بود او را بکشند که با وساطت خویشان او، نجات یافت. بدین‌رو، پیامبر (ص)، که جدا می‌خواستند مشکل را از راه مذاکره و دگرگون ساختن افکار سران قریش حل کنند، برای بار دوم تصمیم گرفتند کسی را به نمایندگی اعزام کنند که دست او به خون قریش آلوده نباشد. این ماموریت متوجه عمر بن خطاب شد، اما او به دلایل و بهانه‌هایی از این کار امتناع ورزید و پیشنهاد کرد که عثمان بن عفان این کار را بر عهده گیرد. از این‌رو، عثمان راهی مکه شد و در پناه ابان بن سعید بن عاص وارد شهر گردید. قریش به عثمان اجازه طواف کعبه دادند. اما از بازگشت عثمان جلوگیری کردند تا شاید در این مدت، راه حلی پیدا کنند. بر اثر تاخیر نماینده پیامبر، هیجان و اضطراب عجیبی در میان مسلمانان پدید آمد و شایعه قتل عثمان به شدت در میان طرفین در منطقه پخش و منجر به موضع‌گیری نظامی پیامبر گردید. از این‌رو، شرایط مساعدی پدید آمد و شایعه مزبور قوت گرفت. ابهام و اهمیت موضوع، دو عامل اساسی رواج و انتشار شایعه گردید. (واقعی،

۱۴۰۹ق، ص ۶۰۰-۶۰۳) برای تکمیل فرایند شایعه و انتشار آن در سطحی مطلوب، باید انگیزه‌های روانی به ایجاد و استمرار آن کمک نماید (نصر، ۱۹۶۷، ص ۳۱۹-۳۲۰)

پیامبر اسلام از شگرد جنگ روانی و راه‌های مشروع در نبرد با دشمنان اسلام استفاده می‌فرمود. ایشان تا جای که ممکن بود برای درهم شکستن دشمن از سلاح استفاده نمی‌کرد. یکی از مصادیق جنگ روانی در صدر اسلام علیه دشمنان بزرگ نمایی و کوچک‌نمایی در جنگ بوده است و چندین نوبت اعمال شده است که می‌توان حکم به جواز آن داد. در جریان غزوه حمراء الاسد رزمندگان اسلام شب‌ها در پانصد محل آتش بر می‌افروختند، تا شما نیروهای مسلمانان دشمنان خیلی بیش از آنچه واقعیت دارد، نشان داده شود (ابن سعد، ۱۹۶۸م ص ۴۷) در جریان فتح مکه نیروهای اسلام به مکه نزدیک شده و در مرالظهران فرود آمدند. قوای اسلام پس از آنکه به طور ناگهانی مکه را محاصره نمود، پیامبر اکرم (ص) دستور فرمود: شبانگاه برای درهم شکستن روحیه دشمن دور تا دور در نقاط مرتفع ده هزار آتش افروزند. مردم مکه ناگهان متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای شهر مکه را احاطه نموده است و این امر باعث شد تسلیم شوند و سرانجام مکه، پایگاه عظیم شرک و بت پرستی، بدون خونریزی با استفاده از اصل غافلگیری و شیوه جنگ روانی تسلیم شد. (واقعی، ۱۴۰۹، ص ۸۱۷/۸۱۴)

در ماجرای فتح مکه، رسول خدا برای اینکه دشمن را تحت تأثیر قرار دهد و هرگونه مقاومت را از ذهن آنان بیرون کند، به عباس عموی خود، فرمود: ابوسفیان را در تنگای دره نگه دار تا سپاهیان خدا بروی بگذرند و او ایشان را ببیند. ابوسفیان پس از دیدن انبوه سپاهیان، با شتاب به سوی مکه رفت و دستور امان را ابلاغ کرد و مردم را از مخالفت و ایستادگی و سرسختی بر حذر داشت (ابن هشام، ۱۳۵۵: ص ۴۶)

جواز رجز خوانی برای تحریک احساسات

در غزوه خندق پیامبر (ص) فردی را به داخل قوم یهود فرستادند تا آنها را از ادامه جنگ با مسلمانان منصرف سازد. (الطبری، ج ۲، ۱۳۷۸/۱۹۶۷، ص ۵۷۸) بی طرف ساختن نیروهای دیگر سست کردن اطمینان دشمن در کسب پیروزی - و ترساندن و وارد کردن فشار روحی آنان بخشی از روش‌های تاکتیکی پیامبر اسلام (ص) و اصحاب ایشان در بعد جنگ روانی در صدر اسلام بود.

دشمنان اسلام نیز در موارد و مقاطع مختلف مقابله با اسلام از حربه جنگ روانی استفاده می کردند. درجنگ احد مشرکان برای در هم شکستن روحیه سپاه اسلام به دروغ فریاد سر دادند که پیامبر (ص) کشته شده است. (ابن اثیر، ج ۷، ۱۳۷۱ش ص ۱۵۷)

بررسی نگاه برخی از علمای عامه در حکم جنگ روانی

اهل سنت به دلیل تجربه طولانی تری که در حوزه حکومت‌مداری، کشورگشایی و بهره‌گیری از جهاد علیه دشمنان داخلی داشته‌اند مباحث گسترده‌تری در باب جهاد، در منابع تاریخی و سیره نویسی، کتاب‌های حدیثی و فقهی، سیاست‌نامه‌نویسی و مانند اینها دارند با این وجود آنها نیز در حوزه ی جنگ روانی، به گونه ای که مباحث آن منتسب به فقه و مبانی فقهی باشد منابعی بیش از آنچه نزد شیعیان است ندارند.

بر آنچه از آنها نقل شد نشان می دهد دست کم ابن خلدون، در باب جنگ روانی، دیدگاهی قرآنی دارد. وی از اموری نهانی و آسمانی نام می برد که بر دل های دشمنان، تاثیر گذاشته و آنها را به ترس و وحشت می کشاند و نقش این امور را از تدابیر و حيله های بشری بیشتر توصیف می کند.

این دیدگاه به آنچه خداوند سبحان در باب «القاء رعب» می فرماید که همان جنگ روانی است و تماما آن را منسوب به ذات حضرتش می گرداند نزدیک و بلکه مطابق است. در کتاب های حدیثی اهل سنت نیز مطالب و مستندات و مرتبطاتی با جنگ روانی ملاحظه می شود که از خلال آن می توان تصویری از جنگ روانی نزد اهل سنت پیدا کرد.

بخاری در کتاب صحیح خود ابوابی در خصوص جهاد گشوده که مستقیم یا غیر مستقیم بر بحث جنگ روانی دلالت دارند و با استفاده از آن می توان اثبات کرد که اهل سنت در منابع فقهی و روایی خود جنگ روانی بر علیه دشمن را مطرح ساخته اند نمونه هایی از آن در زیر نقل می شود: کتاب صحیح بخاری در باب ۹۸- باب الدعاء علی المشرکین بالهزیمه والذله. در این باب روایتی به شرح زیر نقل شده است: عن علی رضی الله عنه: لما کان یوم الاحزاب قال رسول الله (ص) ملاء الله بیوتهم و قبورهم ناراً (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق بی جاص ۸۱-۸۲ و ۱۱۳ و ۱۲۶ و ۱۴۶؛ نشابوری، بی تا ص ۱۱۲؛ نسائی، ۲۰۰۱م، ص ۱۵۲، ابی داود، ۱۴۱۹ق ص ۴۸؛ ابویعلی ۱۴۰۴ق ح ۳۹۰ ص ۳۱۴، ابوبکر، ۱۹۷۰م، ح ۲۱۹۲؛ ص ۵۷۶، بیهقی،

۱۴۲۴ق ص ۴۶۰؛ ج ۲، ص ۲۲۰؛) باب ۱۵۷ کتاب صحیح بخاری باب الحرب خدعه دارد که در این باب از خدعه در جنگ بحث کرده است. در باب ۱۵۸ باب دارد تحت عنوان باب الكذب فی الحرب: نویسنده در این بخش، داستان کعب اشرف را نقل می کند که در نقل قولی از پیامبر گرامی اسلام، مامور قتل کعب، مجازمی شود برای انجام ماموریتش هر آنچه خواست بگوید. (بخاری، ۱۴۲۰هـ-۱۹۹۹م، جلد ۲، ص ۹۰۳)

بررسی نگاه بخاری به این موضوع

بر پایه باب‌ها و بخش‌هایی که بخاری در کتاب صحیح خود تدوین نموده چند نتیجه را می توان بدست آورد:

اول) نگاه او به جنگ روانی، همان است که در منابع شیعی نیز همچون سنتی پایدار از گذشته بوده و همچنان برقرار است یعنی جنگ روانی به عنوان زیر مجموعه ای از بحث گسترده ی جهاد مطرح است که مصادیق آن در گذشته در افعال و کردارهایی چون ترکیب سپاه (آمادگی و چالاکی و سرعت عمل و تحرک و تراکم فعالیت ها و مانند اینها) و برخی رویه ها و روندها (مانند رجزخوانی و ابزارهای بیانی و بهره گیری از نمادها) خود را نشان داده و در این چارچوب مورد داوری و نظریه پردازی قرار می گرفته است.

دوم) نگاه اخلاقی اسلام به جنگ و جهاد و جنگ روانی در سیره حدیثی بخاری نیز خود را نشان داده و منع ها و تحریم هایی که برای آن ها، باب ها و بخش هایی خاص گشوده نشان می دهد ابزارها و شیوه هایی چون نحوه رفتار با کودکان و زنان یا غدر و احتیال که در آن دوره، همگی یا بخشی از آن، در خدمت جنگ روانی و باهدف اثرگذاری روانی بر حریف بکار می رفتند در چارچوب دین اسلام، مجوز نداشته و محدود به حدود و شرایط هستند.

سوم) دعوت به اسلام، نسبت به هر جنگی چه سخت و چه نرم، اولویت و ارجحیت داشته و بایستی عملیاتی گردد.

در مجموع آنچه بخاری از سنت و سیره نبوی گرامی اسلام (ص) روایت می کند گرچه از جهتی منسوب به او نمی تواند باشد از جهت گزینش و دسته بندی و نحوه ی تدوینی که دارد می تواند منسوب به بخاری شده و ادعا شود که نگاه او به موضوع جنگ روانی، نگاهی غیر متعارف و خارج از نگاه مسلط و غالب بر سیره نبوی، منطق جهادی

اسلام و نگاه فقهاء و محدثان شیعه نیست.

این روند در منابع دیگر اهل سنت نیز البته به تفصیل کمتر دیده می‌شود. ابن ماجه در سنن خود احادیث نزدیک به موضوع یا مرتبط با آن را در بخش‌های زیر گنجانیده است: باب الخدیعه فی الحرب و باب التحریق بأرض عدو (ابن ماجه، سنن، جلد ۲، صص ۹۴۵ تا ۹۴۸)

ابن مالک در این خصوص بحث موجز و بسیار مختصری گشوده است که ابواب آن تا جایی که به بحث حاضر مربوط هستند به شرح زیر است.

النهی عن قتل النساء والولدان فی الغزو (ابن مالک، ۱۴۲۱، ص ۱۵۷) از کشتن زنان و کودکان اجتناب کنید. همو حدیثی در ذیل باب یاد شده به شرح زیر نقل می‌کند که می‌تواند راهبرد اسلام (اهل سنت) در حوزه جنگ روانی را مشخص سازد: آن رسول الله کأن إذا سریه یقول لهم... لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقلوا ولیدا و قل ذلک لجیوشک و سراپاک إن شاء الله و السلام علیکم. (ابن مالک، ۱۴۲۱، ص ۱۵۸) پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها به ارتش اسلام سفارش می‌فرمود: غدر نکید، دشمن را مثله نکیند نیز بایی با این عنوان گشوده است: ما جاء فی الوفاء بالامان. از نگاه اهل سنت وقتی دشمن امان داده و تسلیم شد نباید خدعه کرد و باید به قول خود وفا کرد. اهل سنت در این موارد جایز نمی‌دانند تا برای تضعیف روحیه دشمن به قول خود عمل نکرد و حریف را فریب داد.

در سنن ابی داود نیز باب‌های زیر تدوین شده‌اند: ابی داود در کتاب سنن خود در ص ۴۳ باب المکر فی الحرب. دارد که به حيله با دشمن در زمان جنگ پرداخته. و در ص ۵۳ آن باب دارد که در زمان جنگ باید از مثله کردن سپاه دشمن پرهیز کرد

در ص ۵۳ کتاب سنن ابی داود باب فی قتل النساء است که در زمان جنگ از کشتن زنان نهی کرده است و نیز در سنن ابی داود ص ۵۴ باب فی کراهیه حرق العدو بالنار (ابی داود النبویه، جلد ۳ بی تا وی جا ص ۸۹) آمده است که از سوزاندن دشمن در آتش نهی شده است. گفتنی است که این موارد اغلب در جنگ‌های غیر اسلامی به خاطر ایجاد رعب و هراس در دل حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد

جدای از کتاب‌های حدیثی، در سیاست‌نامه‌های اهل سنت نیز مباحثی مرتبط یا

نزدیک به جنگ روانی دیده می شود.

ماوردی و جنگ روانی

برای نمونه چند گزاره از ابوالحسن ماوردی در این رابطه نقل می شود. وی در خصوص وظایف فرمانده جهاد می نویسد:

وظیفه ششم آنکه وضع داخلی سپاه و نیز کسانی را که در آن هستند برسد تا کسانی را که پیکارگران را به سستی می کشانند، مسلمانان را می ترسانند و یا جاسوس مشرکان بر ضد مسلمانان هستند از جمعشان بیرون راند، چنان که پیامبر خدا(ص) در یکی از غزوه های خود، عبدالله بن ابی بن سلول را بدان دلیل که مسلمانان راست می کرد از همراهی با لشکریان باز گرداند.

وظیفه هفتم آن که میان کسی که با او نسبتی دارد و یا با او هم اندیشه و هم مذهب است و آن که از تباری جز تبار اوست یا با نظر و مذهب او مخالف است تبعیضی نگذارد، مباد این تبعیضی نگذارد، مباد این تبعیض نمودارهایی یابد که سبب تفرقه مسلمانان شود و آنان را به اختلاف و بریدن از همدیگر مشغول بدارد. پیامبر خدا(ص) حتی از منافقان، با آنکه در دین دورویی داشتند، چشم پوشیده و بر پایه همان که حکم ظاهر است با آنان رفتار کرد، تا به حضور آنان، قدرت مسلمانان فزونی گیرد و شمارشان بیشتر شود و استواری افزون تری یابند. پیامبر(ص) آنان را در نفاق که در دل داشتند به خدایی وا گذاشت که از غیب آگاه است و بدانچه در دل هاست بازخواست می کند؛ خداوند فرموده است: (ولا تنازعوا فتشولوا و تذهب ریحکم وی در خصوص تدبیر جنگ نیز می نویسد: «اما چنانچه پیکارگر مسلمان بخواهد نخستین کس باشد که در میدان ماوردی طلبد، ابوحنیفه این کار را ممنوع دانسته است، بدان استناد که همورد طلبیدن و آغاز کردن جنگ نوعی سرکشی است، اما شافعی این کار را جایز دانسته است، بدان اعتبار که اظهار قدرتی در دین خدای تعالی - و یاری پیامبر اوست؛ چه، پیامبر خدا(ص) به چنین کاری فراخواند، بدان برانگیخت و برای آن که به میدان مبارزه شتافت و پیکار را با آغاز بددعای خیر کرد و خود پشتیبان او بود» (ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۸۳)

در بخش وظایف فرمانده در تدبیر سپاه نیز می نگارد: «ششم: تقویت کردن روحی سپاهیان با آنچه به پیروزی به آسانی به جنگ آید. در خصوص روش پیکار با دشمن،

اینگونه بیان می‌دارد: «ششمین بند از احکام این فرماندهی روش رویارویی و پیکار با دشمن است. برای فرمانده سپاه مسلمانان جایز است هنگامی که دشمن را محاصره کرد بر ضد آنان عراده و منجنیق نصب کرد. همچنین برای فرمانده جایز است خانه‌های دشمن را بر رویشان خراب کند و آنان را هدف حمله‌های غافلگیرانه شبانه یا آتش زدن قرار دهد. اگرهم بریدن درختان خرما و دیگر درختان دشمن را مصلحت بیند و بدین رسد که این کار آنان را تضعیف می‌کند و زمینه آن می‌شود که آن بتواند به زور بر آنها چیرگی یابد یا آنها را بدان می‌کشاند که به صلح و مسالمت روی آورند، حق دارد این کار را انجام دهد اما اگر انجام چنین کاری را مصلحت نیندازد انجام آن خودداری می‌کند (ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۸۳)

نقد تحلیل ماوردی از جنگ روانی

تحلیلی ماوردی به موضوع نیز هم خوان و هم جهت با نگاه دینی است گرچه شاید کاملاً منطبق بر آن نباشد. از نظر ماوردی، عملیات روانی یعنی کار بر نیروهای خودی در حالت منازعه یا غیر آن که معنایی عام تر و عمومی تر از جنگ روانی و مقدم بر جنگ روانی است و جنگ روانی در قالب ابزارهایی چون بهره‌گیری از آتش و تحریق و تخریب خانه‌ها و منازل مجاز است با این تفاوت که آنها را منوط به مصلحت بینی فرمانده کرده و این، نقطه‌ای است که دیدگاه او را از فقه سنی و شیعی جدا می‌سازد چرا که در این دو منبع، بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های نامتعارف یا مواردی که امکان دفاع اخلاقی و عقلانی از آنها وجود ندارد تنها در موقعیت اضطرار مجاز دانسته شده در حالی که ماوردی آن را در چارچوب بحثی گسترده تر و دارای ضابطه‌های فردی و غیرقابل تحدید یعنی مصلحت‌اندیشی فرمانده سپاه قرار می‌دهد.

نتیجه گیری

در این نوشتار به جنگ روانی از منظر فقه عامه پرداخته شده و برای تبیین این موضوع نخست به تعریف واژگان جنگ، روان، فقه، خدعه و برخی از واژگان که هم معنا با جنگ است پرداخته شده است.

با استفاده از برخی منابع در این نوشتار اشاره است که جنگ روانی به معنای تسخیر سرزمین رقیب و دشمن بدون درگیری فیزیکی و خونریزی بوده است. در حوزه جنگ روانی بالاترین هنررزمنده، پیروزی در نبرد نیست، بلکه بدست آوردن پیروزی و تسلیم دشمن بدون درگیری مستقیم و خونریزی است. گفتنی است که جنگ روانی به پیشینه قدمت انسان می رسد و چیزی نوظهور نیست و امروزه از نگاه سرعت، پیچیدگی و تنوع با گذشته متفاوت بوده است.

اینگونه جنگ با استفاده از شرایط مکانی و زمانی اهداف خاص خود را دنبال می کند که از مهمترین آن ها تضعیف اعتماد به نفس حریف، ایجاد ترس، دلهره گی و نیز ایجاد دودستگی در بین افراد جامعه هدف است تا با بست کردن باورهای فرهنگی و روانی کشور هدف، در نظام سیاسی و اجتماعی آن بی ثباتی ایجاد کند که در این راستا بدون توجه به معیارهای انسان دوستانه و شئون اخلاقی، با ابزار ها و شیوه های مختلف انجام می پذیرد و اما در حوزه معارف اسلام، جنگ و مقابله با دشمن در چارچوب و حدود شرع باید باشد برخی از صاحب نظران اهل سنت در این مورد اظهار نظر کرده و آن را در برخی از موارد به خاطر مصالح شرع جایز دانسته اند. این مسئله در فقه و کلام برخی از فقها و صاحب نظران اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است به حيله به عنوان رفتار و عمل شایسته و عقل پسند برای حفظ شریعت و تحت عنوان وجوب حفظ نظام اجتماعی در منابع اهل سنت اشاره شده است جایز شمرده شده است.

فهرست منابع

قران کریم ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب ج ۵ بیروت دار صادر، چاپ سوم ۱۴۱۴ق
۲. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی زاد المسیر فی علم التفسیر ج ۴ مکتبه اسلامی و دار بن حزم چاپ اول ۱۴۲۳ق
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، سازمان کتاب های جیبی، ۱۳۴۳
۴. ابن حنبل احمد ابن محمد مسند احمد، ج ۱، تحقیق احمد شاکر ناشر دار الحدیث، ۱۴۱۶ق بی جا
۵. ابن ادریس شافعی، محمد، الأم ج ۴ مصر اسکندریه، مکتبه دارالوفاء، ۱۴۲۲ق
۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری، سیره ابن هشام، با تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الایاری و عبد الحفظ شلبی، مصر، مطبعه البانی، ۱۳۵۵ق
۷. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی، سنن، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۲،
۸. ابن مالک، موطا، مصر، جمعیه المکتنز الاسلامی، ۱۴۲۱،
۹. ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ترجمه، ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۰. ابن اثیر، معزالدین علی، الکامل، ج ۱، بیروت لبنان ص ۱۲۷
۱۱. ابن حجر عسقلانی، علی بن احمد، فتح الباری ج ۶ محقق: محب الدین خطیب ناشر: دالکتب السلفیه ۱۹۱۵م
۱۲. ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، چاپ اول، ۱۹۶۸م

۱۳. ابی داود، سلیمان بن داود بن الجارود، مسند الطیالسی، محقق: محمد بن عبد المحسن التركي،
۱۴۱۹ق

۱۴. ابی داود سلیمان ابن الاشعث السجستانی الأزدی، سنن ابی داود، تحقیق: محمد محی الدین
عبد الحمید؛ دارالاحیاء السنه النبویه، جلد ۳

۱۵. ابو یعلیٰ موصلی ، مسند ابی یعلیٰ، ج ۱، محقق: حسین سلیم اسد ، دمشق ، دارالمأمون
للتراث ، چاپ اول ۱۴۰۴ق ح ۳۹۰

۱۶. ابوبکر ، عبدالرزاق ، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱، محقق: حبيب الرحمن الاعظمی ناشر:
المجلس العلمی _ جنوب آفریق ، ۱۹۷۰م ، ح ۲۱۹۲؛

۱۷. اسکندری، حمید، ۱۳۸۹، پدافند غیر عامل، تهران، معاونت تربیت و آموزش بسیج.

۱۸. افتخاری ، اصغر، دانشنامه قدرت نرم ، تهران ، دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ،
۱۳۹۳ق

۱۹. التهامی مختار ، الرای العام و الحرب النفسیه، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۷، ج ۱،

۲۰. آلن بیرون ، فرهنگ علوم اجتماعی ، ترجمه باقر ساروخان ، تهران ، ناشر: کیهان ، ۱۳۸۰

۲۱. آقا بخشی، علی اکبر، فرهنگ علوم سیاسی ، نشر چاپار، ۱۳۸۹

۲۲. آخوندی ، مصطفی ، جنگ نرم در قرآن سنت ، تهیه کننده پژوهشکده علوم اسلامی امام
صادق (ع) قم انتشارات زمزم هدایت ۱۳۹۲ص ۱۹

۲۳. آشوری داریوش فرهنگ سیاسی، ، تهران ، چاپ هشتم ، انتشارات مروارید
۱۳۵۴ص ۷۵

۲۴. برزونی، عبدالله، ۱۳۸۷، قدرت نرم سرمایه اجتماعی بسیج، تهران، پژوهشکده مطالعات
و تحقیقات بسیج.

۲۵. بیهقی ، احمد بن الحسن بن علی بن موسی ، السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱ محقق: محمد عبد
القادر عطا، دارالکتب العلمیه ۱۴۲۴ق

۲۶. بخاری صحیح البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، تحقیق: الشيخ محمد علی
القطب، الشيخ هشام البخاری، بیروت، المكتبة العصریه للطباعه و النشر، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م،
جلد ۲،

۲۷. جان ام کالینز، استراتژی بزرگ، کورش بابندی، تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۷۰،
۲۸. جمعی از نویسندگان، موسوعه السياسة، جلد ۲: مؤسسة العربيه للدراسات والنشر، بیروت چاپ سوم، ۱۹۹۰م
۲۹. جرجانی، علی بن محمد، التعريفات للجرجاني مترجمان: حسن سید عرب ویمان نور بخش، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۷ش
۳۰. جوهری، اسماعیل بن حماد الصحاح للجوهري ج ۴ محقق: عطار احمد عبد الغفور، بیروت دارالعم للملايين، ۱۴۰۴ق
۳۱. جمالی و دیگران، درآمدی در باب جنگ، تهرذان، نشر آجا) انتشارات عقیدتی سیای ارتش (۱۳۸۶
۳۲. جوزف نای، قدرت نرم و رهبری، ترجمه عسکر قهرمانپور، فصلنامه عملیات روانی، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۱،
۳۳. خدا پرستی، فرج الله، فرهنگ معارف تهران فرهنگ معاصر ۱۳۸۵
۳۴. خدوری مجید، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، اقبال، ۱۳۳۵،
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۳
۳۶. ذوالفقاری، مهدی، اصول و مبانی عملیات روانی، تهران انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۹۱
۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق
۳۸. ریچاردز هیوثر؛ دشمن چگونه می اندیشد: روان شناسی تحلیل اطلاعات؛ علیرضا فرشچی و احمد رضا نقاء دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۸۰
۳۹. رابرت بارون و دیگران، روانشنای اجتماعی، ترجمه دکتر یوسف کریمی، تهران، روان، ۱۳۸۹
۴۰. عمیدزنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، تدوین و تنظیم: ابراهیم موسی زاده، تهران دانشگاه تهران، موسسه انتشارات ۱۳۸۹

۴۱. سیوطی، جلال الدین و جلال الدین محلی، تفسیر جلالین، بیروت، مؤسسة النور، ۱۴۱۶،
۴۲. الشاطبی الغرناطی، ابو اسحاق لمواقفات ج۲ محقق: مشهورین حسن آل سلمان، ناشر دار ابن عفان، ۲۰۰۸م
۴۳. صفوی، حسن افکار عمومی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۰ص ۴۰
۴۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵
۴۵. الطبری، تاریخ الطبری، ج ۲، دار التراث، بیروت، ط الثانیه، ۱۳۷۸/۱۹۶۷
۴۶. طلاس مصطفی، پیامبر و آئین نبرد، ترجمه حسن اکبری مرزناک، مؤسسه انتشارات بعثت، بی تا،
۴۷. طائب، مهدی، نگاهی به عملیات روانی در اسلام تهیه کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم زمزم هدایت ۱۳۸۹ص ۴۱
۴۸. فراهیدی، خلیلی ابن احمد، کتاب العین، ج ۲، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰،
۴۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران، ج ۵، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱
۵۰. کریمی، یوسف، جنگ روان غرب علیه ایران، مجله سیاست دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) سال اول شماره ۲ / ۱۳۷۲
۵۱. میرزای قمی، ابوالقاسم، رساله ثقی التحقیق الغناء، قم نشر مرصاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق
۵۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلیمات القرآن الکریم، تهران بنگاه نشر و ترجمه کتاب ۱۳۶۰ش
۵۳. معین، حسن، فرهنگ فارسی معین، دوره ای دو جلدی ششم تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ش
۵۴. متفکر، حسین، جنگ روانی، قم، دفتر عقل پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۶
۵۵. ماوردی، علی بن محمد، آیین حکمرانی، ترجمه و تحقیق از حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳،
۵۶. محسنی، دکتر منوچهر، بررسی در جامعه شناسی فرهنگی ایران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت ارشاد، اول، ۱۳۸۶ص ۲۳۵: ۲۳۸
۵۷. نصر، صلاح، الحرب النفسیه معرکه الکلمه و المعتقد، ج ۱، قاهره، دارالقاهره، ۱۹۶۷،

۵۸. نراقی، مولی مهدی، جامع السادات، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبیوی، تهران، حکمت، چاپ چهارم ۱۳۷۰ش

۵۹. نشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، تصحیح: اسماعیل بن احمد طرابلسی
ناشر: دار الطباعه العامره، ترکیه استانبول بی تا

۶۰. نسائی، ابوعبد الرحمن احمد بن شعب بن علی الخراسانی، السنن الكبرى للنسائی، ج ۱
محقق: عبدالله بن عبد المحسن التركي بیروت موسسه الرساله چاپ اول ۲۰۰۱م،

۶۱. نبرد مخصوص، گردآوری شده در دفتر مطالعات و تحقیقات نظامی قرارگاه حمزه سید
الشهداء ۱۳۶۵ فصل دوم ص ۳۲

۶۲. والتر رایش؛ ریشه‌های تروریسم، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، دوره عالی جنگ
دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه ۱۳۸۱،

۶۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.